



خانواده

در پرتو قرآن و سنت

پژوهش و تدوین

گروه حدیث

زیر نظر

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی عبدخدایی

برگردان و تلخیص

حمیدرضا آژیر

[الاسرة في رحاب القرآن و السنة. فارسي.]
خانواده در پرتو قرآن و سنت / پژوهش و تدوین گروه حدیث: زیر نظر محمد هادی عبد خدایی: برگردان و تلخیص حمیدرضا آذیر. - مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۹، ۳۴۰ ص.

ISBN 978-964-971-433-2

فیا. ۱. اسلام و خانواده - ۲. خانواده - جنبه‌های قرآنی ۳. خانواده - احادیث الف. عبد خدایی، محمد هادی ۱۳۱۷ - ب. آذیر حمیدرضا، ۱۳۳۷ - مترجم ج. بنیاد پژوهشهای اسلامی گروه حدیث. د. بنیاد پژوهشهای اسلامی.

۴۹۷ / ۴۸۳۱

۲۲۳۵۲۵۷

BP ۲۳۰ / ۱۷ / الف ۵۰۴ ۱۳۸۹۰

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



پارلمان
اسلامی ایران

خانواده

در پرتو قرآن و سنت

پژوهش و تدوین: گروه حدیث
زیر نظر دکتر محمد هادی عبد خدایی
برگردان و تلخیص حمیدرضا آذیر
ویراسته محمد رضا نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۰ / ۲۰۰۰ نسخه، وزیری / قیمت ۴۳۰۰۰ ریال
چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۳۶۶

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۳
فروشگاه‌های کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۷۷۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir

E-mail: info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

پیش‌نوشت مترجم

خانواده به سان هسته مرکزی جامعه و زندگی اجتماعی، به حقیقت سرنوشت‌ساز تمامی جریان‌ها، خیابان‌ها، هنجارها و نابهنجاری‌هایی است که ما را به رویکرد ویژه‌ای بدان می‌خواند و از همین روست که بسیاری از نحلّه‌ها و آیین‌های انسانی و دینی نگاهی جدّی به این هستهٔ بالنده دارند که اگر به نیکی پرورده شود و بوستانی بوستان زندگی، نیکو آبیاری‌اش کند و به چونی رشد آن پردازد درختی سر بر آسمان کشد گشن با ثمرهایی بس شیرین و گوارا که نه تنها شاخه در آسمان معنویت دارد، بل پهنهٔ پرگسترهٔ آن بسی مایهٔ تنفّس در اختیار بشریت می‌نهد.

اسلام اما در این میان نگاه ویژه و ژرف‌تری به این کانون هستی‌ساز دارد؛ زیرا در این حقیقت، گمان ندارد که اگر زاویه‌های گونه‌گون این کانون واری شود و حفره‌های احتمالی آن شناسایی و پر گردد همهٔ جامعه در برابر بسیاری از گزنده‌های بس گزنده، مقاومت می‌یابد و اگر خانه‌های این کندو یک‌یک آسیب‌زدایی شود شهادی به کاممان خواهد ریخت به‌غایت شیرین و حالی خواهیم یافت بس شورانگیز.

کتابی که در پیش روی شماست ابعاد خانواده را که گاه شناخته است و گاه کمتر بشناخته، به بحث کشیده با الهام از آیات و حدیث و سخن آفریدگار و معصومان که جز حکمت محض نیست، لایه‌های زیرین این رمز کامیابی جامعه را در پیش روی خوانندگان به نمایش نهاده است و از آن‌جا که پیشینهٔ این کتاب جز حدیث اهل‌بیت علیهم‌السلام نیست و آنان جز حقیقت حقّه بر زبان روان نمی‌کنند، اندوخته‌ای است که برای ساماندهی و پروردن این هستهٔ بالنده، بوستانیان را بس ره می‌نماید تا آن‌جا که با اندک‌ترین کار، کاری‌ترین و کلان‌ترین درونمایه‌ها را به کف آورند.

شماره کردن تک‌تک شاخه‌های این درخت سر به فلک کشیده کاری است نه شدنی و شاید نه چندان سودمند. از این رو تنها توصیه‌ای داریم به آنان که آموزه‌های تربیتی را نصب‌العین خود می‌دانند و آنچه را در این پیرامون سودمند می‌یابند می‌خوانند و می‌گویند تا مگر بتوانند این بار گران را به سلامت به مقصود رسانند و خویش و فرزندان خویش را به آن آبی رسانند که آشامه‌ای از آن، حیاتی دوباره در شریان‌شان می‌دواند.

پیش گفتار

خانواده، واحد بنیادین ساختار جامعه و پایه اصلی آن شمرده می‌شود و اسلام به ساماندهی خانواده رویکردی ویژه دارد تا جایی که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «در اسلام بنایی نهاده نشده که نزد خداوند عزوجل از ازدواج گرامی‌تر و محبوب‌تر باشد»^۱. کارکرد خانواده در جامعه همان کارکرد سلول در پیکر هر پدیده زنده است و هرچه این سلول‌ها سالم‌تر و نیرومندتر باشند، پیکر از نیرومندی و سلامت بهره فزون‌تری دارد و خانواده هرچه پاک‌تر و پخته‌تر باشد جامعه نیز پاک‌تر و پخته‌تر خواهد بود.

ساماندهی خانواده سالم، خاستگاه پختگی انسان و شکوفا شدن توان‌های اوست؛ زیرا این ساماندهی آدمی را از نابودی می‌رهاند و بدو استواری می‌بخشد. خانواده عامل پاکی جامعه و برگزیده ریشه‌های تباهی آن است؛ زیرا بیشتر نمودهای تباهی از فساد مردان و زنان پدیدار می‌شود و خود مایه آن می‌گردد که فرزندان برمند و خانه‌گریزی در پیش گیرند. از همین رو می‌بینیم جوانانی که در دامن خانواده‌ای اصیل رشد کرده‌اند و از نعمت پرورش پدر و مادری شایسته برخوردار بوده‌اند از امتیازهایی ویژه بهره می‌برند، برخلاف فرزندانی که در خانواده‌ای بی‌هویت یا فاسد یا با سرپرستانی زندگی سپری می‌کنند که خود از آغاز خانه‌گریز بوده‌اند. آری، درخت ریشه‌داری که همواره بدان توجه شود میوه‌ای نیکو به بار

می آورد و درخت بی خاصیت بیابانی، باری می آورد تلخ یا بی هیچ امتیاز.

از آن جا که خانواده در آغاز از یک مرد و زن بنیان می یابد پس ناگزیر هریک باید وقتی کافی صرف کند تا شریک خود را برگزیند.

پیوند میان مرد و زن پیوندی سرشتین است و مهر میان آن دو غریزه ای الهی است که برای ادامه نسل و پیوستگی جنس بشر، ضرور و حیاتی است، لبیک نیازمند هدایت و سرپرستی است و در غیر این صورت تباهی می آورد و ویرانی، و ساماندهی خانواده و وجود همسر بهترین ابزار برای سرپرستی و رهنمایی است.

قرآن کریم، وجود همسر را به سان آیتی الهی، نشانه ای از نشانه های قدرت و حکمت خدایی معرفی می کند؛ زیرا پروردگار از هر نوع، جز اعضاء، دو تک همگون آفریده که هر یک کارکردی حیاتی دارد تا هر دو امکان زندگی مشترک و آوردن فرزند را بیابند، در حالی که اگر هر یک از آن دو با شریک خود ناسازگاری کلی می یافت دیگر هیچ یک از آن دو نمی توانست با دیگری خو گیرد؛ چنان که اگر هر دو پاک به هم می ماندند دیگر امکان فرزندآوری از میان می رفت و رشته نسل آدمی گسسته می گشت و بلکه هر موجود زنده ای از میان می رفت، و از همین روست که خدای بزرگ می فرماید: **وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا**^۱.

پیامد این خوگیری و پیوند، ساماندهی خانواده و ایجاد آرامش و اطمینان در آن است تا بدین سان پایه های آن با مهر و گذشت استواری یابد و سامانه فطری به هم برآید و آیات الهی بیدار گردد. خداوند می فرماید: **اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ**^۲.

وجود همسر نیازهای گوناگون آدمی را همچون عواطف روحی او تأمین می کند، یک همسر نیکو در کشیدن بار زندگی یار همسر خویش است، چنان که

۱. روم/ ۲۱؛ و از نشانه های او این که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید.

۲. روم/ ۲۱؛ آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشد قطعاً نشانه هایی است.

ابزاری است برای ماندگاری نسل بشر. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ﴾^۱، ﴿وَقَدْ مُوا لَآ نَفْسُكُمْ﴾^۲.

در ازدواج، آدمی نیمه دیگر خود را می‌یابد و زندگی‌اش از پایداری و استواری نیرو می‌گیرد و از آزمون و پختگی ویژه‌ای بهره می‌برد و احساس مسؤولیت و پابندی او رو به فزونی می‌نهد و مسیر زندگی آدمی بلورینه می‌شود و خرمی خاصی می‌یابد و از خودمحوری و خودخواهی کناره می‌گیرد و راه و روش زندگی را می‌آموزد و مهم‌تر از همه این‌ها می‌آموزد چگونه گرایش و خواست دیگران را برگزیند و خواست خود پیشی دهد، چنان که در حدیث آمده: «مؤمن با استهای خانواده‌اش خوراک می‌خورد»^۳.

در اسلام، بی‌مسؤولیتی و گریز چونان رهبانیت دیده نمی‌شود؛ زیرا اولی افراط و دومی تفریط است، بل آنچه در اسلام دیده می‌شود بهره‌بری درست از غرایز و برآوردن نیازهای غریزی به گونه‌ای معتدل می‌باشد و این همان است که پیوند زناشویی را پایه‌ریزی می‌کند.

ازدواج - برخلاف افراط و تفریط - بر فطرت‌خدایی و غرایز انسانی استوار است و از مستلزمات دینی فطری همچون اسلام است که همه باورها و آموزه‌های آن بر این استوانه تکیه دارد، و از همین روست که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر که دوست دارد بر فطرت من باشد باید که سنت من را پیش گیرد و ازدواج از سنت من است»^۴.

گزینش درست همسر در سعادت و سلامت خانواده نقشی بنیادین دارد و اسلام روش این گزینش را مشخص و شایست را از ناشایست جدا کرده است.

۱. بقره/ ۲۲۳: زنان شما کشتزار شمایند.

۲. بقره/ ۲۲۳: برای خود پیش فرستید.

۳. الکافی، ۴: ۱۲.

۴. نوادر الراوندی، ۳۵: البحار ۱۰۳: ۲۲۲ به نقل از آن.

نخستین شرط آن است که دو همسر مناسب یکدیگر باشند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «به همسنگان خود زن دهید و از همسنگان خود زن ستانید و برای نطفه‌هایشان دامن‌های پاک گزینش کنید»^۱، چنان که ابن اثیر می‌گوید: «مرد در تبار، دین و خاندان و جز آن برابر زن باشد»^۲.

در نظر داشتن ایمان دو همسر به‌سان والاترین سنجه سعادت خانواده را تأمین می‌کند، چنان که خداوند می‌فرماید: **وَلَا مَنَّةَ مُؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ**^۳، نیز می‌فرماید: **وَلَعَلَّكَ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ**^۴.

اسلام در گزینش همسر به گوهرهای اخلاقی توجه دارد، چنان که به رفتار و برخورد. اسلام ازدواج با زن نادان سبک‌مغز را جلو می‌گیرد، چنان که با مرد تبهکار می‌گسار. اسلام به رفتار نیکو و دوری از ستیزه‌جویی و بداخلاقی سفارش می‌کند. دوستی و مهرورزی پایه اصلی پیوند زن و مرد شمرده می‌شود و این در دیدگاه قرآنی، پاک هویدا است: **وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً**^۵، چنان که در روایت‌هایی که بر ضرورت محبت میان دو همسر تأکید دارند پاک پیدا است، تا آن‌جا که گفته‌اند مؤمن‌ترین مردم کسی است که خانواده خود را بیشتر دوست بدارد، و این چنان است که مهر نمی‌تواند نامشروع و پراکنده باشد، بلکه باید مشروع باشد و متمرکز در یک‌سو.

تلاش‌های زن و مرد در خدمت به یک‌دیگر را می‌توان گونه‌ای پیوند معنوی و دینی دانست که بیشترین پاداش و ثواب را دارد، تا جایی که پیامبر درباره مرد می‌فرماید: «مرد کوشا از بهر خانواده‌اش به مجاهد در راه خدا می‌ماند»^۶. چنان که

۱. نوادر الراوندی، همان.

۲. النهایة، ۴: ۱۸۰.

۳. بقره/ ۲۲۱: یک کنیز مؤمن بهتر از زنی مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد.

۴. بقره/ ۲۲۱: یک بنده مؤمن بهتر از مردی مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورد.

۵. روم/ ۲۱: و میان شما مهر و رحمت نهاد.

۶. مستدرک الوسائل، ۵۵: ۱۳.

که درباره زن می فرماید: «جهاد زن شوهر داری نیکوست»^۱.

اسلام حقوق طرفینی زن و شوهر را بر پایه نیکی و نیکویی می داند و می فرماید: ﴿وَكُنْ مِثْلَ الَّذِي عَلَيْهَا بِالْمَعْرُوفِ﴾^۲، مرد می بایست زن خویش را گرامی بداند و وضعش را مراعات کند و از نادانی های او درگذرد و چشم پوشد. زن نیز باید شویش را بزرگ شمرد و از آزار و خشمگین کردن او دوری ورزد و بیش از توانش او را به زحمت نیفکند. پیامبر ﷺ می فرماید: «بر زن روا نیست شویش را بیش از توان به زحمت افکند و شکایت او نزد کسی برد»^۳.

پیوند میان زن و شوهر باید بر پایه پاکی درونی و برونی در واجبات و مستحبات به گونه ای استوار باشد که درونمایه ﴿الطَّيَّاتُ لِلطَّيِّبِينَ﴾^۴ و ﴿حَتَّى يَطْهَرُونَ﴾^۵ تحقق یابد، و در کنار پاکی و پاکیزگی باید هریک از دو همسر، جذابیت مناسب برای دیگری را فراهم آورد و هریک خود را برای دیگری بیاراید. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هیچ بنده ای سودی سترگ تر از زنی صالح به دست نیاورده است، زنی که هرگاه بیندش شادش کند و هرگاه مرد در کنار او نباشد او را در ناموس خود و مال همسرش پاس دارد»^۶.

خانواده - به سان خمیرمایه پیکره اجتماعی - به مدیریتی سالم نیازمند است که از هرگونه درهم ریختگی و تعدد مدیریت و مانند آن جلوگیری، اسلام این وظیفه را بر دوش مرد نهاده است و با بیانی قاطع، چنین آورده است: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ

۱. الخصال، ۵۸۶؛ البحار، ۱۰۳: ۲۲۷ به نقل از آن.

۲. بقره / ۲۲۸؛ و مانند همان [وظیفی] که برعهده زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [برعهده مردان] است.

۳. مستدرک الوسائل، ۲۴۱: ۱۴.

۴. نور / ۲۶؛ زنان پاک از آن مردان پاک اند.

۵. بقره / ۲۲۲؛ تا پاک شوند.

۶. وسائل الشیعه، ۷: ۱۴.

عَلَى النِّسَاءِ^۱ یا ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ^۲﴾ و در برابر مسؤولیت‌هایی بدو سپرده که باید سنگینی آن را بر دوش کشند.

زن و مرد در بیان قرآنی، هریک جامعه دیگری شمرده می‌شود^۳ و این جامعه است که آدمی را از سرما و گرما نگاه می‌دارد و هم هنگام آذین او نیز به شمار است. هریک از زن و مرد پاسدار منافع دیگری و نیز آذینی است برای او.

واژه «معروف» در زندگی خانوادگی در چارچوب پیوند میان زن و مرد^۴ و کلام و سخن^۵ و داد و ستاد دیدگاه‌ها^۶ و دادن نفقه^۷ و پرداخت مهر^۸ و حتی در طلاق، تابندگی ویژه‌ای دارد. چه دادگرانه و زیباست این سخن: ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ^۹﴾.

«معروف» تعبیری است از رفتار نیکو و عملی که خوبی و نکویی آن از راه خرد و شرع دانسته می‌آید و با وجدان و فطرت همخوانی دارد. این از آن روست که مرد و زن هریک انسانی است شایسته برخورداری از کرامت و ویژه، تا جایی که هنگام طلاق نیز نباید این «معروف» فراموش شده یا به کناری نهاده شود. خداوند می‌فرماید: وَلَا تَسْوَأُوا الْفُضْلَ بَيْنَكُمْ^{۱۰}.

۱. نساء/۳۴: مردان سرپرست زنان‌اند.

۲. بقره/۲۲۸: و مردان بر زنان درجه برتری دارند.

۳. بقره/۱۸۷: ﴿هُنَّ نِیْسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ نِیْسٌ لَّهُنَّ﴾.

۴. نساء/۱۹: ﴿وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾.

۵. نساء/۵: ﴿وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾؛ احزاب/۳۲: ﴿وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾.

۶. طلاق/۶: ﴿وَأَقْبِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ﴾.

۷. بقره/۲۳۳: ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾.

۸. نساء/۲۵: ﴿فَإِنْ كُنْتُمْ بِإِذْنِ أَهْلِيهِنَّ وَأَنْتُمْ مُجْرِمُونَ بِالْمَعْرُوفِ﴾.

۹. بقره/۲۲۹: طلاق [رجعی] دوبار است. پس از آن یا [باید زن را] به خوبی نگاه داشتن، یا به

شایستگی آزاد کردن.

۱۰. بقره/۲۳۷: و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش نکنید.

همان گونه که ازدواج و بنیان نهادن خانواده نزد خداوند، خوش و خواستنی است جدایی نزد او ناخوش و ناخواستنی است، تا جایی که پیامبر ﷺ می فرماید: «چیزی نزد خدا ناخوش تر از این نیست که خانه‌ای با جدایی - یعنی طلاق - ویران شود»^۱.

پاره‌ای از آحاد جوامعی که طلاق را ناروا می‌دانند از آغاز تن به ازدواج نمی‌دهند و زندگی خود را با لودگی و معشوق‌گزینی نامشروع تباه می‌سازند، و آن گروه که تن به پیوند زناشویی می‌سپارند، پس از نبودن هماهنگی باید زندگیشان را با ناسازگاری و ستیزه‌جویی سر کنند و در این صورت یا باید قربانی نومیدی و ناکامی جنسی گردند یا تن به تباهی و بدکاری سپرند؛ زیرا در نگاه مسیحیت، زن مطلقه دوباره حق ازدواج ندارد و هر که چنین کسی را به زنی ستاند کاری رسوا کرده و تن به زنا سپرده است. بدین سان قانون طلاق - همچون قصاص - جایگاهی گریزناپذیر دارد که در بنیان نهادن خانواده سودمند و برای پیوستگی آن لازم شمرده می‌شود.

بزرگ‌ترین پیچیدگی غرب و کشورهای صنعتی امروز نبودن ساختار خانواده به گونه‌ای مشروع و قانونی است و بسیاری از دختران و پسران جوان بی‌هیچ پایبندی به هرگونه مسئولیت دوسویه، در لجن‌زار هوس غرق‌اند و چه بسیار مردان و زنانی که بی‌هیچ پیوند زناشویی زیر یک سقف می‌زیزند. فرجام پیوند نخستین کودکان ناروایی است بی‌هیچ شناسه‌ای، و فرجام پیوند دوم به فرزندی گرفتن کودکی ناآشنا یا زندگی با چند سگ و شماری توله‌سگ است، و در این میان بزرگ‌ترین بازنده زنی است که بدترین کار با او می‌شود.

برای پاسداشت ساختار خانواده، اسلام مقدماتی نهاده که پاکدامنی در پیشاپیش آن قرار دارد.

در شریعت اسلام پاکدامنی با آموزش‌ها و مقرراتی با نموده‌های فرهنگی دیده می‌شود. از یک سو شریعت، نگاه حرام را جلو گرفته و دیگر جاذبه‌ها را مقید کرده است، و از دیگر سو به ازدواج و رفتارهای مشروع سفارش می‌کند، چنان که به هنگام دشوار بودن ازدواج به پاکدامنی فرا می‌خواند.

به طور کلی می‌توان این فرهنگ را از خلال این رهنمودها یافت:

- ۱- حرمت نگاه به جنس مخالف در میان نامحرمین. خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ﴾^۱ و ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾^۲.
- ۲- مراعات جامه مناسب برای زنان، با روسری^۳ و پشت پرده^۴ و پوشش^۵.
- ۳- مراعات سخن گفتن مناسب نهی از تحریک. خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾^۶.
- ۴- مراعات راه رفتن به گونه‌ای که هیچ شکلی تحریک را در خود نداشته باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾^۷.
- ۵- دوری از آشکار کردن زیور و زینت برای غیر محارم. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...﴾^۸.
- ۶- دوری از رفتن به خانه دیگران بدون اجازه صاحب خانه. خداوند

۱. نور/۳۰: به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه است.

۲. نور/۳۱: و به زنان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند.

۳. نور/۳۱: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ﴾.

۴. احزاب/۵۳: ﴿فَسَلِّكُوهُنَّ مِنْ وَّرَاءِ حِجَابٍ﴾.

۵. احزاب/۵۹: ﴿نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبٍ﴾.

۶. احزاب/۳۲: پس به ناز سخن مگویند تا آنکه دردش بیماری است طمع ورزد، و گفتاری شایسته گویند.

۷. نور/۳۱: و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینشان نهفته می‌دارند معلوم گردد.

۸. نور/۳۱: و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان... آشکار نکنند.

می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^۱.

۷- ضرورت اجازه گرفتن پسران- پیش از رسیدن به سن بلوغ- برای ورود به اتاق پدر و مادر. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أُنْثَى لَكُمْ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ﴾^۲.

۸- دستور به ازدواج و تشکیل خانواده. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ﴾^۳.

۹- دوری از زنا. خداوند می‌فرماید: ﴿وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾^۴.

۱۰- مراعات پاکدامنی به هنگام دشواری ازدواج. خداوند می‌فرماید: وَلَيْسَتَغَفِبَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ^۵.

چکیده احکام اسلامی ایجاد فرهنگی است که خانواده و جامعه را در همه ابعاد تباهی و ویرانی پاس دارد. این فرهنگ پیوند میان دو همسر را سخت استواری می‌بخشد و ساختار خانواده را بیان‌دار می‌کند؛ زیرا خطرناک‌ترین عوامل فروپاشی خانواده، وجود جاذبه‌های تباه‌گر و پیوندهای نامشروعی است که اسلام قاطعانه آن‌ها را جلو می‌گیرد.

از بهترین ثمرات ازدواج به بار نشستن فرزندان و نوادگانی است که با پدر و مادر ساختار خانواده را کمال می‌بخشند. فرزند نکو، یار پدر و مادر در زندگی

۱. نور/۲۷؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید؛ این برای شما بهتر است؛ باشد که پند گیرید.

۲. نور/۵۸؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند... از شما کسب اجازه کنند.

۳. نور/۳۲؛ بی همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید.

۴. نور/۳۰؛ و پاکدامنی ورزند.

۵. نور/۳۳؛ و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند.

آن دو است، و پس از مرگ یادبود آن‌ها و میانجی آن‌ها به روز رستخیز. اسلام وظایف طرفینی پدران و فرزندان را به گونه‌ای گسترده باز گفته است و می‌توان چکیده آن را این دانست که وظیفه اولی تربیت و مدیریت است و وظیفه دومی احترام و فرمانبری همراه با نیکویی. پدر از خدا می‌خواهد که فرزندش ﴿قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾^۱ باشد و فرزند با ناله به درگاه الهی می‌گوید: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ﴾^۲.

بنیان نهادن خانواده که سنگ زیربنای جامعه است گاهی با گردنه‌هایی روبرو می‌شود که مهم‌ترین آن زیاده‌روی و ریخت و پاش است. هزینه‌های سرسام‌آور ازدواج یا مانع از تشکیل خانواده می‌شود یا آن را با دشواری روبه‌رو می‌سازد و زیاده‌روی و زیاده‌خواهی بر پیوستگی آن ضربه می‌زند و مایه پدید آمدن ناسازگاری و در پی آن، جدایی می‌گردد. هرچه بلندپروازی‌های مادی فزونی یابد ساختار خانواده با دشواری‌های بیشتری روبرو می‌شود، خواه در پیوند با کابین باشد یا مبلمان خانه یا هزینه‌های عقد یا جشن عروسی.

در پاره‌ای احادیث آمده است که بسیاری کابین، شوم و زیاده‌روی نکوهیده است. جلوگیری از بسیاری کابین، بُعدی دارد که با الگوی شخص در ارتباط است. هر چیزی که تحمیلی باشد و با هزینه‌های ازدواج رو به فزونی نهد گردنه‌ای بزرگ در برابر تشکیل خانواده و مسأله‌ای است نکوهیده.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که: «از برکت زن، کم خرجی او و از بلای اوست پرهیزگی وی»^۳.

اسلام خانواده‌ای را بنیان می‌دهد که از پاکی و معنویت آکنده است و نام خدا و هدفمندی در آن نمودار است و در شعاع پرتو آن مهر، محبت، آرامش و اطمینان جایگیر است.

۱. فرقان/۷۴: مایه روشنی چشمان.

۲. ابراهیم/۴۱: پروردگار! روزی که حساب برپا می‌شود بر من و پدر و مادرم ببخشای.

۳. وسائل الشیعه، ۷۸:۷.

قرآن کریم از برجسته‌ترین خانواده‌ها الگوهایی را معرفی می‌کند که یکی از آن‌ها آل‌ابراهیم^۱ و دیگر آل عمران^۲ و سوم اهل بیت^۳ نامیده می‌شوند. اهل بیت خانواده‌ای است که نور چهره علی و فاطمه علیها السلام در آن تابندگی دارد و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را به بار می‌آورد و حماسه زینب کبری را رقم می‌زند و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این خانواده اشراق دارد و آن خانواده‌ای است که تا همیشه تاریخ پرتو خواهد افشاند و درس ایمان و تقوا خواهد گسترده.

امید می‌رود پژوهشگران، این کتاب را به‌سان بنیادی گزینند تا بتوانند - با برون کشیدن ویژگی‌های ارزشمندی از آیات پرتوافشان قرآنی و سخنان زنده معصومان علیهم السلام - جستاری پیش‌نهند از خانواده نژاده مسلمان.

می‌توان کار ما را در این کتاب نامیده به «خانواده در پرتو قرآن و سنت» در نقاط زیر خلاصه کرد:

- هر یک از فصل‌های پانزده‌گانه این کتاب را با آیاتی قرآنی محوربندی کرده‌ایم که مفاهیم آن فصل و موضوع‌های فروعی آن را در بر دارد و آن‌ها را به ترتیب سوره‌های قرآنی سامان بخشیده‌ایم.
- برای هر یک از فصل‌ها مقدمه‌ای آورده‌ایم و در آن به طرح عناوین فروعی موضوع‌ها و رمزها پرداخته‌ایم و گاه نیز برحسب ضرورت، مقدمه را تنها به عناوین فروعی اختصاص داده‌ایم نه عناوین اصلی.
- برای موضوع مورد نظر خود و آنچه در چارچوب آن قرار می‌گیرد آیات قرآنی و احادیث رسیده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان اهل بیت علیهم السلام را گردآورده‌ایم و از سندها و محتویات آن و مخاطب قرار دادن زن و مرد پیش یا پس از بنیان نهادن خانواده و قرار دادن آن دو در برابر این مسؤولیت بزرگ

۱. آل عمران/۳۳: ﴿وَأَلَّ اِبْرَاهِیْمُ﴾

۲. آل عمران/۳۳: ﴿وَأَلَّ اِمْرَانُ﴾

۳. احزاب/۳۳: ﴿أَهْلُ الْبَیْتِ﴾

چشم پوشیده‌ایم و از سخنان منسوب به غیر اهل بیت علیهم‌السلام روی نافته‌ایم و از همین رو موضوع را تنها از زبان معصومان علیهم‌السلام و فعل و تقریر ایشان واگویه که نه‌ایم.

- فصل نخست را «تسویق بر ازدواج و تشکیل خانواده» نام نهادیم، و این نخستین گامی است که آدمی در راه برافراختن کوشک خانواده می‌پیماید، و زان پس موضوع‌های دیگر فصول را برپایه زمینه‌چینی هر فصل از بهر تکمیل روند بیان خانواده پی می‌گیریم.
 - در ترتیب‌بندی عناوین فرعی اولویت موضوع را متناسب با عنوان فصل و عنوان پس از آن هماهنگ کرده‌ایم و این عناوین به شیوه مهم‌تر و از آن پس مهم، ساماندهی شده است.
 - احادیث هر موضوع فرعی را که تحت عنوان فصل عمومی، پیوست است، به ترتیب معصومان علیهم‌السلام ترتیب‌بندی کرده‌ایم.
 - در ارزیابی احادیث رسیده در این کتاب آنچه را در توان داشته‌ایم به کار زده‌ایم و این مهم را با گزینش صحیح‌ترین آن‌ها و نهادن آن در متن به انجام رسانده‌ایم و در حاشیه بدان اشاره‌ای نکرده‌ایم.
 - ترتیب‌بندی احادیث برپایه نام معصومان علیهم‌السلام هنگام تکرار بیایی حدیث ما را به تکرار نام معصوم علیهم‌السلام واداشته و برای گریز از این تکرار، حدیث دوم و پس از آن را مختصراً با تعبیر «نیز می‌فرماید» آورده‌ایم، چنان که در احادیث نبوی هم به ذکر «نیز می‌فرماید» پرداخته‌ایم.
 - در شرح واژه‌های نام‌آشنای قرآن به منابع لغوی متعددی تکیه داشته‌ایم تا بهترین واژه مفهوم و کمترین واژه، برگزیده شود و بدین‌سان شرح واژه‌های ناآشنا با مفهومی روشن و به دور از پیچیدگی همراه است.
- نام بیشتر این منابع، مختصراً، چنین آمده است:
- اساس البلاغة (اساس).
 - تاج العروس (تاج).

- القاموس المحيط (قاموس).

- کتاب العین (عین).

- لسان العرب (لسان).

- مجمع البحرين (مجمع).

- المصباح المنیر (مصباح).

- المفردات فی غریب القرآن (مفردات).

- النهاية غریب الحديث والاثار (نهایه).

○ ما در مراجعه به منابع حدیث تنها به منابع - نه احادیث امامیه بسنده نکردیم، بلکه منابع اهل سنت را نیز از نظر گذرانده‌ایم و چون دیگر منابع در حاشیه بدان‌ها اشاره کرده‌ایم.

○ هر حدیثی را که در متن آورده‌ایم با شماره مشخص کرده‌ایم و در حاشیه به منبع اشاره کرده‌ایم و نام سوره‌های قرآنی آیاتی را که آورده‌ایم در پایان هر آیه در خود متن یادآور شده‌ایم، [البته مترجم آن را به پانویست منتقل کرده است].

○ برخی از آیات قرآنی را به میزانی که غرض حاصل شود مختصر کرده‌ایم و واژه «الآیه» را بر آن نهاده‌ایم، چنان که بر احادیث مختصر، واژه «الحديث» و «الخبر» را آورده‌ایم و این هنگامی است که تتمه آیه یا حدیث از موضوع بیرون است، اما اگر آیه یا حدیث را باید برای رسانایی این دو آورد و از سویی باید آن را مختصر کرد چنین نوشته‌ایم: ... (تا آن‌جا که می‌فرماید) و پیش از این هر دو، سه نقطه نهاده می‌شود.

○ هنگام تشابه حدیث با حدیث دیگری در بیش از یک منبع یا اختلاف با آن حدیث در پاره‌ای واژه‌ها تنها به اشاره به بی‌نیازی از یادآوردن آن با واژه «ر.ک» در حاشیه بسنده کرده‌ایم، و زان پس منبع آن را یادآور شده‌ایم.

○ نام هر یک از منابع حدیث را که در متن آورده‌ایم با مراعات شیوه منبع در حاشیه آورده‌ایم، خواه بر شیوه شماره‌گذاری سه‌گانه (جلد، صفحه و حدیث) استوار باشد، یا شماره‌گذاری دوگانه (جلد و صفحه)، یا شماره‌گذاری

تکرار می (تنها صفحه). کلمه «مجلس» را که در کتب امالی آمده با حرف «م» نشان داده‌ایم.

○ هر آنچه مخاطب یا پرسنده را مشخص می‌کند یا مقصود حدیث را روشن می‌گرداند در آغاز احادیث یا پس از سخن معصوم علیه السلام، تنها میان دو خط توضیحی (- -) آورده‌ایم.

○ همه منابع احادیث را همراه نام نگارندگان و مراکز نشر آن در پایان همین کتاب براساس حروف هجا یادآور شده‌ایم.

خوشوقتم از همه دانش‌داران و فضلاء عضو گروه حدیث که در فراهم کردن این کتاب ارزنده و انتشار آن به بهترین و کامل‌ترین سامان از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نورزیدند سپاس فراوان و بزرگداشت بی‌پیرایه خود را بگزارم؛ به‌ویژه استاد فقید و مرد علم و اخلاق، جناب حجة الاسلام والمسلمین کاظم مدیر شانه‌چی که نخستین مراحل این کار را زیر نظر داشت و زان پس به رحمت ایزدی پیوست. من به سهم خود برای پاسخ به تلاش بسیار برادران و سپاس از کوشش آنان راهی نیافتم مگر آن که به ناله از درگاه خدای متعال بخواهم از گذشته آن‌ها درگذرد و آینده‌شان را با استوار کردن گام‌هاشان و توفیق خشنودی خود حفظ کند که اوست شنوای پاسخ‌دهنده و شایسته پاسخ دادن.

نیز از استاد ابراهیم رفاعة از بهر خواندن این کتاب و تعدیل پاره‌ای عبارات و چکیده کردن شماری از فصل‌ها و از برادر جعفر بیاتی برای ویرایش ادبی این کتاب و برادران تلاشگر دو گروه حروفنگاری و نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی سپاس می‌گذارم. خداوند همه آنان را در آنچه دوست دارد و خشنود است کامیاب گرداند.

سرپرست گروه حدیث

محمد‌هادی عبدخدایی